

من تو را به اندازه یک چشم بر هم زدن رها کردم ولی با تمام بخشندگی می‌خواهم که تو را دوباره فرا بخوانم. و با خشم خود را برای لحظه‌ای از تو پوشانیدم ولی با رحمت جاودانی خود تو را دوباره می‌خواهم ببخشم و این را خدای نجات دهنده، می‌گوید. زیرا که این برای من مثل ابهای نوح می‌باشد. چنان که قسم خوردم که ابهای نوح بار دیگر بر زمین جاری نخواهد شد، همچنان قسم خوردم که بر تو غضب نکنم و تو را عذاب ننمایم. هر آینه کوهها زایل خواهند شد و تله متحرک خواهند گردید، لیکن احسان من از تو زایل نخواهد شد، و عهد سلامتی من متحرک نخواهد گردید. خداوند که بر تو رحمت می‌کند این را می‌گوید

این یک داستان عاشقانه هست. خدا قوم خودش را دوست داشت، و این قوم اسرائیل بود. خدا آن‌ها را انتخاب کرده بود اگرچه این روشن نیست که دلیل این انتخاب چه بوده است، و از میان قوم‌های دیگر و بزرگتر چرا اسرائیل را انتخاب کرده است. و این داستان هم مانند دیگر داستان‌های عاشقانه یک قسمت تاریک دارد. خیانت و خشم و تنفر، رابطه بین این قوم و خدا را از بین برد. قوم خدا همیشه خدای خود را تغییر داد: و این خدا کس دیگری بود و خدایان دروغین را دنبال کردند. و این یک ثروت ناعادلانه‌ای بود که آن‌ها از آن طریق صاحب شده بودند. آن‌ها از این ادمهای فقیر سوئ استفاده میکردند تا مایحتاجشان را تأمین کنند و آن‌ها را نادیده می‌گرفتند. آن‌ها از طریق این ثروت و نفوذ در بین مردم به یک قدرت سیاسی خطرناک تبدیل شده بودند و با قومهای دیگر بخاطر این پیمان بسته بودند و متحد شده بودند. ادمهایی که مهم بودند را از اورشلیم تبعید کرده بودند یا اینکه دزدیده بودند و باقی را هم به نوعی پراکنده کرده بودند. با تمام این چیزها، بنی اسرائیل عشق اول بود، عشقی میان خدا و پدران آن‌ها ابراهیم و اسحاق و یعقوب، که این عشق گم شده بود. آن‌ها خدا را و خداوند نیز به ظاهر آن‌ها را رها کرده بود

متن موعظه ما یک شعری کاملاً متفاوت را می‌خواند. من تو را به اندازه یک چشم بر هم زدن رها کردم ولی با تمام بخشندگی می‌خواهم که تو را دوباره فرا بخوانم. و با خشم خود را برای لحظه‌ای از تو پوشانیدم ولی با رحمت جاودانی خود تو را دوباره می‌خواهم ببخشم و این را خدای نجات دهنده، می‌گوید. زیرا که این برای من مثل ابهای نوح می‌باشد. چنان که قسم خوردم که ابهای نوح بار دیگر بر زمین جاری نخواهد شد، همچنان قسم خوردم که بر تو غضب نکنم و تو را عذاب ننمایم. هر آینه کوهها زایل خواهند شد و تله متحرک خواهند گردید، لیکن احسان من از تو زایل نخواهد شد، و عهد سلامتی من متحرک نخواهد گردید. خداوند که بر تو رحمت می‌کند این را می‌گوید

یک زمان کوتاهی خدا خشمگین بود و اسرائیل را با گناهانشان تنها گذاشت. او این اجازه را داد تا دشمنان بر اسرائیل چیره شوند. و حال اراده خودش را تغییر داده است. از خوبی و بخشش و آزادی و موهبت صحبت میکند. خدا چه منظوری از این کلام دارد و این قرار است چه تأثیری داشته باشد؟ این نمایان گر یک عهد با محبت است و اعلان عشق. این اعلام عشق در زمانی که اسرائیلی‌ها به آن نیاز داشتند و در همان جایی که به آن نیاز داشتند ارائه شده است. آن‌ها در تبعید از اورشلیم به سر می‌برند. یک امید آخری که دوباره به آن‌ها می‌توانست جان بدهد و آن بازگشت به وطن بود داشت از بین می‌رفت.* اینجا بود که کلام خدا برای همه روشن شد. خدا عهد کرده بود که آن‌ها را دوباره جمع خواهد کرد و به آن‌ها خشم نخواهد ورزید و آن‌ها را خواهد بخشید. و این نامه عاشقانه دوباره امید را برای محبت خدا نسبت به این قوم و ایمان آن‌ها شعله‌ور می‌کند. این مثل یک نوری بود در یک موقعیت خیلی تیره و تاریک. و در این اعلان عشق خداوند قرار می‌گیرد در یک قاب خیلی عظیم. و این نمیتواند یک انتخاب برای یک گروه کوچک در اورشلیم باشد، نه، بلکه مثل عهد او با نوح بعد از آن طوفان، پیمان خدا هیچ تاریخ انقضایی ندارد و مانند کوه‌ها که زایل می‌شوند از بین نخواهد رفت. این یک پیمان دوستی جاودانی بین خدا و قومش و انسانهاست

ما امروز یکشنبه لاتاره را جشن می‌گیریم. این به معنی این است که خوشحال باشید. این هم یک نور امیدی است در ماه روزه ما. شاد باشید چون خشم خدا و غضب او تا همیشه ادامه نخواهد داشت. او چهره خشمگین خودش را از ما مخفی خواهد کرد همانطور که با اسرائیلی‌ها این کار را کرد و چهره رؤوف خودش را به ما نشان خواهد داد. و حال ما یک چیزی بهتر از اسرائیلی‌ها هم داریم، ما عهد خدا را نه فقط از طریق کلام بلکه از طریق جسم عیسی که تبلور این کلام در انسان است داریم. در مراسم نان و شراب این اتفاق برای ما می‌افتد و ما می‌توانیم این را بفهمیم که چقدر با محبت است این خداوند و ما نیز مانند اسرائیلی‌ها در قبل امیدوار هستیم گرچه همه چیز ناگهان از دست رفته به نظر می‌رسد. کجا در زندگی ما تاریکی وجود دارد و کجا شاید ما خودمان را در تبعید احساس می‌کنیم، همانجا خداوند دنبال ما می‌گردد و چهره دیگری را به ما نشان می‌دهد. او به ما آزادی را هدیه می‌دهد و با ما این عهد را خواهد بست که اتحاد او با ما برای همیشه باقی بماند. امین